

بسم الله الرحمن الرحيم

(مقدمه)

حمد و سپاس بی پایان بر خالق کونین و درود بینهایت بر افضل مخلوقات حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم. اما بعد: با عنایت و توفیق پروردگار به تحقیق در مورد نماز جمعه، این فریضه ی مهم الهی آغاز نمودم تا خدمتی به دوستداران و مشتاقان دین مبین اسلام مخصوصاً به کسانی که پیرو مذهب حنفی هستند کرده باشم تا با آشنایی بهتر با فضائل و آداب و دیگر امورات جمعه، اهمیت بیشتری به این تکلیف الهی داده شود. از خداوند مهربان عاجزانه استدعا دارم بر همه مسلمین خصوصاً خادمین دین مبین اسلام، از جمله استاد گرامی و ارجمند «الحاج عبدالرحمن آخوند تنگلی» و دیگر اساتید کرام و کسانی که مرا در این امر یاری نمودند، توفیق عنایت فرماید. آمین یا رب العالمین. جمال الدین علاقی - زمستان ۱۳۸۱

(نماز جمعه در قرآن کریم)

در سوره جمعه میخوانیم: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ». ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید آنگاه که ندا داده میشود برای نماز در روز جمعه، بشتابید بسوی ذکر خدا و ترک کنید خرید و فروش را که صلاح و سعادت شما در این است اگر دانا باشید. در این آیه برای توجه به نماز جمعه و اهمیت دادن به آن تاکیدهای فراوانی بکار رفته که به برخی از آن اشاره میکنیم: ۱- در آیه ی فوق خداوند کریم مؤمنان را مخاطب قرار داده و این اشاره‌ای است که مؤمن از این فریضه ی بزرگ بهره مند میشود و مقتضای ایمانش انجام دادن آن است، نه ترک و سبک شمردن آن. ۲- خداوند نماز جمعه را به ذکر الله تعبیر فرموده است تا اهمیت آن مورد توجه باشد. ۳- در جمعه «فاسعوا إلى ذکر الله» توصیه میکند که بسوی آن بشتابند و این تاکید دیگری است که در نماز جمعه شرکت کنند و سهل انگاری ننمایند و این روش معمولاً در جایی استعمال میشود که موضوع مهمی در میان باشد که غفلت موجب از دست رفتن آن است.

۴- با آنکه کسب و تجارت در اسلام ارزش خاصی دارد در جمله «وَذَرُوا الْبَيْعَ» خرید و فروش را ترک کنید و به نماز پردازید، تاکید میکند که نماز جمعه بر آن ترجیح دارد و به هنگام آن، هر کار دیگری باید ترک شود. ۵- جمله «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» با تاکید بیشتر اعلام میکند پرداختن به نماز و ترک کارهای دیگر به خیر و صلاح شماست و خداوند متعال که به خیر همه از همه کس آگاه تر است و آن را خیر میداند و شما هم اگر بدانید و به خیر خود آشنا باشید این حقیقت را خواهید یافت. بنابراین کسی که کارهای دیگر را به نماز جمعه مقدم میدارد واقعیت را در نیافته و جاهل است و از خیر خویش دوری میجوید. ۶- آیه «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» ترجمه: برخی از اصحاب، در یکی از جمعه‌ها هنگامی که تجارت و یا سرگرمی را دیدند از پیرامون تو پراکنده شدند، و تو را ایستاده در حال خطبه رها کردند، بگو ای محمد آنچه در پیش خدا از فضل و ثواب است، بهتر از سرگرمی و بازرگانی میباشد و خدا بهترین روزی رسان است. در این آیه انتقاد از کسانی است که نماز جمعه را رها کرده و به خرید و فروش و یا کارهای بیهوده مشغول هستند.

۷- در جمله «قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ» ترک کنندگان نماز جمعه را مورد انتقاد قرار داده و تاکید میکند که نماز جمعه نزد خداوند بهتر است و میدانیم آنچه در نزد خداوند بهتر باشد برای همیشه بهتر است و قابل خدشه و اشکال نیست و خداوند

منزه از آنست که همچون بشر چیزی را امروز بهتر بداند و بعد خدشه‌ای پیش آید و تغییر نظر دهد. ۸- جمله «وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» حاکی از آن است که اگر کسی فکر کند با شرکت در نماز جمعه به روزی و درآمدش لطمه ای وارد میشود در اشتباه است. رزق و روزی در اختیار خداست و کسی که رزق میخواهد بهتر است به سوی خیر الرازقین بیاید تا از فضل او بهره مند شود. ۹- از اینکه خداوند بترک اشتغال در وقت نماز جمعه امر فرموده، چنان برداشت نشود که در روز جمعه مسلمانان باید تمام روز کسب و کار خود را کنار گذاشته و همه وقت خود را به نماز سپری کنند بلکه امر این است که چون مؤذن اذان میگوید و «حی علی الصلاة، حی علی الفلاح» را بر زبان جاری میکند، دعوتش را اجابت نموده و به مسجد بروید و پس از ادای فریضه نماز جمعه برگردید و به شغل و کار خود بپردازید چنانچه خداوند متعال فرموده است: «إِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». ترجمه: آنگاه که نماز جمعه خوانده شد بر روی زمین پراکنده شوید و به دنبال فضل خدا (رزق و روزی) بروید و خدای را با دل و زبان، بسیار یاد کنید تا اینکه رستگار شوید.

(حکم نماز جمعه)

جمعه روز اجتماع و میعادگاه جماعت است، بانگ آسمانی اذان جانها را از اشتغالات زمینی میکند و به سوی نور و فلاح به پرواز در میآورد. مؤمنان از هر گوشه آنچه در دست دارند میگذارند و از آلودگیها غسل کرده و برای حضور در بارگاه محبوب، خود را میآرایند و برای دیدار با فرشتگان، خود را خوشبو میسازند و چون رودی از هر طرف سرازیر میشوند و چون موجی به دریای جماعت جمعه میپیوندند. نماز جمعه، همانند نمازهای پنجگانه بر هر فرد مسلمان واجد شرایط فرض عین است و به مجرد شنیدن اذان جمعه، رفتن به سوی مسجد جامع واجب شده و خرید و فروش، غذا خوردن و خوابیدن و دیگر امور حرام میشود؛ چون نماز جمعه با آیات قرآن و احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم و اجماع امت ثابت شده و یکی از بزرگترین شعائر اسلام است و منکر آن نعوذ بالله کافر و بدون عذر تارک آن فاسق میباشد.

(ثبوت نماز جمعه با قرآن)

خداوند در سوره جمعه آیه ۹ صراحتاً فرموده است: «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ». در این آیه، کلمه «فاسعوا» امر است. خداوند امر را در وقت ندای نماز، با سعی کردن به ذکر الله مرتبت نموده و مقصود از ذکر، نماز جمعه است اما برداشت خطبه نیز جایز است. به هر تقدیر، فرض بودن نماز جمعه را می‌رساند. در ضمن خداوند فرض بودن نماز جمعه را با تحریم مباح (معامله) تاکید کرده، زیرا چیزهایی که مباح است حرام نمیشود مگر در موارد وجوب امر.

(ثبوت نماز جمعه با احادیث)

پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیثی فرموده اند: «و اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْجُمُعَةَ فِي يَوْمِي هَذَا فِي شَهْرِي هَذَا فِي مَقَامِي هَذَا فَمَنْ تَرَكَهَا نَهَائًا بِهَا وَاسْتِخْفَافًا بِحَقِّهَا وَلَهُ إِمَامٌ عَادِلٌ أَوْ جَائِرٌ فَلَا جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ وَلَا بَارَكَ لَهُ فِي أَمْرِهِ إِلَّا فَلَا زَكَاةَ لَهُ إِلَّا فَلَا صَوْمَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ فَمَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ». ترجمه: بدانید برآستی که خداوند برای شما مسلمانان نماز جمعه را در این روز و در این ماه و در این مقام فرض کرد. هر کس این نماز را به سبب سبک شمردن و سهل انگاری ترک کند در حالی که امامی عادل گماشته یا پادشاهی ظالم بر او حکم فرمانی میکند، خداوند پراکندگی او را متحد نسازد و برکت در رزق و عمر او بوجود نیآورد، آگاه باشید نه نماز و نه روزه و نه زکات او مقبول خواهد شد مگر وقتی که توبه کند و از کرده ی خود پشیمان شود و هر کس توبه کند خداوند توبه اش را میپذیرد. و در حدیثی دیگر میفرمایند: «نماز جمعه فرض است، هر کس بدون عذر سه نماز جمعه را بطور متوالی ترک کند خداوند بر دل وی مهر میزند و هر آنکس که خداوند بر دل ایشان مهر بزند در ته جهنم قرا میگیرد.

(ثبوت نماز جمعه با اجماع امت)

مسلمانان بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و سلم بر فرض بودن نماز جمعه تا به این زمان بدون انکار اتفاق نظر دارند.

(واقعه تاریخی نماز جمعه)

صدور حکم برپایی نماز جمعه بعد از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم واقع شد. اما بعضی از اصحاب نبی صلی الله علیه و سلم به طریق اجتهاد، نماز جمعه را قبل از قدوم آن حضرت صلی الله علیه و سلم به مدینه منوره برپا میکردند بدلیل اینکه روزی اهل مدینه منوره دور هم جمع شدند و عده‌ای گفتند یهودیها از ایام هفته روز شنبه را در معبدهایشان جمع میشوند و نصرانیها نیز از ایام هفته روز یکشنبه را در کلیسایهایشان اجتماع میکنند چرا ما مسلمانان روزی را انتخاب نکنیم که در آن روز دور هم بوده و خداوند را ذکر نکنیم! پس ما نیز روزی از ایام هفته را اجتماع کنیم و خداوند را ذکر نماییم و نماز بخوانیم و از نعمات خداوند شکرگزاری کنیم و سپس روز آدینه «عروبه» را از ایام هفته انتخاب کردند و حضرت کعب بن لؤی رضی الله عنه روز عروبه را جمعه نام نهاد و همه تصویب نمودند و در روز جمعه نزد صحابی کرام حضرت اسعد بن زراره رضی الله عنه تجمع نموده و اولین نماز جمعه را به امامت ایشان اقامه کردند و در آنروز حضرت اسعد رضی الله عنه یک گوسفند ذبح نموده و جشن گرفته و شادی کردند. این اولین نماز جمعه‌ای بود که در اسلام برگزار شد.

(ورود پیامبر صلی الله علیه و سلم به قبا)

بنابه گفته ی مورخین، روز جمعه هشتم یا روز دوشنبه یازدهم ربیع الاول، مطابق ۱۰ سپتامبر سال ۶۲۲ پس از میلاد مسیح، آن حضرت صلی الله علیه و سلم به قریه قبا که در فاصله ۴ میل (۸ کیلومتر) از مدینه واقع است وارد شدند. در آن وقت ۵۳ سال از مراحل زندگی پر برکتش را سپری کرده بودند. در آن سالها ساکنین قبا بیشتر یهود بودند، ولی مسلمین مدینه و مهاجرین با آرزوی زیارت

آن حضرت صلی الله علیه و سلم در آنجا جمع گشته و همه ی روز مترصد بودند، بعضی روی تپه و جای بلند رفته و به اطراف نگاه میکردند و برخی اندک جلوتر میرفتند تا اینکه از دور سیاهی پیدا شد و چیزی متحرک به نظرشان رسید. مولانا بلخی میفرماید:

دید شخصی کاملی پرمایه ای آفتابی در میان سایه ای
میرسد از دور مانند هلال نیست بود و هست بر شکل خیال
آن ولی حق پیدا شد زدور از سر و پایش همی میتافت نور

طولی نکشید که آن حضرت صلی الله علیه و سلم با ابوبکر صدیق رضی الله عنه و به همراه راهنما، نمایان گشتند و مسلمین در آن لحظه فوق العاده خوشوقت شدند. آنحضرت صلی الله علیه و سلم در خانه شخصی به نام «کلثوم بن هرم» از طایفه عمرو بن عوف منزل نموده و ۲۲ روز در قریه قبا اقامت نمودند و به دست خویش، آنجا مسجدی بناء کردند که معروف به مسجد قبا شد. پس از بنای مسجد قبا، روز جمعه به طرف مدینه حرکت کردند و در بین راه در محلی بنام «بنی سالم بن عوف» در دره ای به نام «وادی راثونا» که متعلق به آنها بود، وقت نماز جمعه فرا رسید و اولین نماز جمعه را اقامت نمودند و هم اکنون مسجدی بنام «مسجد جمعه» در آنجا معروف است. گویند این نخستین نماز جمعه و خطبه ای بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برای اولین بار در «بنی سالم بن عوف» خواندند و پس از خواندن نماز جمعه، با جماعت مسلمین به شهر مدینه حرکت کردند. هنگام ورود آن حضرت صلی الله علیه و سلم بزرگ و کوچک، مرد و زن به استقبال وی بیرون شهر شتافتند و در تعریف آنحضرت صلی الله علیه و سلم اشعار میخواندند و اظهار خرسندی مینمودند. پیامبر صلی الله علیه و سلم پس از اینکه وارد مدینه شدند در آنجا همیشه نماز جمعه را برپا نمودند و به پیروان خود توصیه حضور در نماز جمعه را میکردند.

(فلسفه نماز جمعه)

جمعه از ریشه جمع به معنی اجتماع و گردهمایی و تجمع کردن در جایی است. بنابراین نماز جمعه نیز به معنی نمازی که مردم را جمع میکند، نمازی که محل تجمع و گردهمایی افراد کثیری از اقشار مختلف جامعه است. همانا شارع حکیم نماز جمعه را بر ما فرض گردانیده و ما را بر اداء آن تکلیف نموده تا در بین مسلمانان الفت و وحدت کلمه ایجاد گردد چنانچه در این روز مبارک هنگام فرا رسیدن وقت نماز جمعه کار و کاسبی خود را عموماً کنار گذاشته و در یک یا چند مسجد اجتماع مینمایند و پند و نصیحت و موعظه هایی که انسان را به اصلاح امور دینی و دنیوی راهنمایی میکند از خطیب میشوند.

در حقیقت نماز جمعه یعنی ایجاد وحدت و هماهنگی بین افراد جامعه اسلامی و ایجاد صفوف فشرده مسلمین و تشکیل کنفرانس اسلامی در آخر هر هفته است. نماز جمعه از نظر اجتماعی و معنوی دارای ارزش خاصی است چون اسلام دینی است اجتماعی. لذا مسئله تجمع و اجتماع در اسلام بزرگترین اهمیت و ارزش را داراست. به همین علت روزی را به نام جمعه اختصاص داده و در قرآن نیز سوره ای به همین نام آمده است. این تجمع و کنار یکدیگر نشستن در صورتی دارای ارزش است که مسلمانان با توجه به حکمت این نماز، از مشکلات و دردها، یکدیگر را با خبر سازند و برای آن تصمیم مشترکی بگیرند. یک اجتماع زمانی زنده و پویا خواهد بود که بین افراد آن ارتباطات و روابط مختلف انسانی و اجتماعی حکمفرما باشد.

و بالاخره نماز جمعه رابطه بریده شده میان اقشار مختلف، اجتماع را به هم پیوند میدهد و مسلمانان را در برابر دستورات خداوند متعال و اجرای قانون الهی، متحد و یکپارچه ساخته و در برابر دشمنان و بدخواهان نیز چگونگی رسیدن به آرمانهای مقدس دین اسلام و حفظ وحدت و انسجام را به آنان میآموزد. در نهایت میتوان گفت: پر ارج ترین فایده نماز جمعه، برادری و صمیمیت است که در قلبهای مسلمانان ایجاد میکند و با تماس و تاثیر متقابل افراد از یکدیگر و بیرون کشیدن آنان از انزوا و انفصال، موجب هماهنگی و وحدت فکری و توافقی اخلاقی در جامعه میشود. این بود فلسفه نماز جمعه که لازم است همه ی ما بر ادای آن مواظبت نمائیم تا از جمله مقربان درگاه خداوند قرار گیریم. خداوند همه مؤمنان را به راه راست هدایت و راهنمایی بفرماید. آمین

(شرایط وجوب نماز جمعه)

۱- مرد بودن، پس بر زنان نماز جمعه فرض نمیشود. ۲- آزاد بودن، پس بر برده (غلام) نماز جمعه فرض نمیشود. ۳- مقیم بودن، پس بر مسافر فرض نمیشود. ۴- صحیح و سالم بودن، پس بر مریض فرض نمیشود. ۵- عاقل بودن، پس بر دیوانه فرض نمیشود. ۶- بالغ بودن، پس بر صبی (نابالغ) فرض نمیشود. ۷- قدرت بینایی داشتن، پس بر نابینا فرض نمیشود. ۸- قادر به راه رفتن باشد، پس بر کسی که قادر به راه رفتن نیست فرض نمیشود. آنهایی که فاقد این شرایط هستند نماز جمعه فرض نیست و اگر در نماز جمعه حاضر شوند و به امام اقتداء نمایند از نماز فرض محسوب میشود و احتیاجی به خواندن نماز ظهر ندارند.

(شرایط اداء نماز جمعه)

۱- مقیم شهر یا فنای شهر باشد. ۲- سلطان یا نائب او که امر جمعه را به وی سپرده باشد. ۳- وقت ظهر، پس از خروج وقت جائز نیست. ۴- خطبه در وقت جمعه قبل از اقامه نماز جمعه. ۵- جماعت. حداقل ۳ مرد به غیر از امام، حاضر باشند. ۶- اذن عام، یعنی اجازه همگانی.

(سنتهای خطبه)

اعمال آتی در خطبه سنت است:

۱- خطیب از حدّث و نجاست پاک باشد. ۲- خطیب پوشاننده عورت خویش باشد. ۳- خطیب قبل از شروع کردن در خطبه، بر منبر بنشیند. ۴- در پیش روی خطیب، اذان دوم گفته شود. ۵- خطیب ایستاده خطبه بخواند. ۶- خطیب خطبه را با حمد و ستایش خدای متعال آغاز نماید. ۷- خطیب بر خدای متعال به آنچه که او شایسته آن است ثناء بگوید. ۸- خطیب شهادتین را در خطبه بیاورد. ۹- خطیب بر رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در خطبه درود بفرستد. ۱۰- خطیب مردم را در خطبه موعظه کند و ایشان را پند و اندرز دهد و حداقل آیه ای از قرآن کریم را تلاوت نماید. ۱۱- خطیب دو خطبه ایراد نماید، و میان دو خطبه با اندکی نشستن، فاصله ایجاد کند. ۱۲- خطیب خطبه دوم را با حمد خدای متعال و ثناء بر وی و درود بر رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از سر بگیرد. ۱۳- خطیب

در خطبه دوم در حق مؤمنین و مؤمنات دعا نموده و برای ایشان آمرزش بخواهد. ۱۴- خطبه با صدای بلند و آشکار ایراد گردد تا اینکه قوم بر شنیدن سخنان خطیب قادر گردند. ۱۵- خطیب خطبه را کوتاه و مختصر گرداند، بدان حد که به اندازه سوره ای از سوره های طوال مفصل باشد.

(ترجمه خطبه دوم جمعه و عیدین)

تنها خداوند را میستاییم و از او یاری خواسته و از او طلب بخشش داریم فقط بر او ایمان آورده و بر او توکل میکنیم و از شرارت های نفس خویش و از اعمال زشت و ناپسند آن، تنها بر خداوند پناه میآوریم. هرکسی را که خداوند هدایت کند، او را گمراه کننده ای نیست و هر آن کس که خدای تعالی او را گمراه کند، هدایت کننده ای بر او نیست. گواهی میدهیم که معبود بحق جز خدای یکتا و یگانه که او را شریکی نیست، وجود ندارد و همچنین شهادت میدهیم بر اینکه محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم بنده و فرستاده اوست، رحمت خداوند بر او و آل و اصحاب او باد. خداوند و فرشتگان بر نبی مکرم اسلام درود میفرستند، ای مؤمنان شما نیز بر پیامبر خاتم، صلوات و سلام بفرستید.

بارالها! رحمت خویش را بر محمد صلی الله علیه و سلم و آل محمد صلی الله علیه و سلم نازل بفرما، به تعداد کسانی که نماز و روزه را بجای میآورند و بر سرورمان محمد صلی الله علیه و سلم و نیز بر آل او رحمت خویش را نازل بفرما بشمار کسانی که میشینند و بر میخیزند. رحمت و سلامتی خویش بر او و نیز بر تمامی انبیاء و رسولان و بر فرشتگان مقرب و بندگان صالح خویش و نیز بر تمامی اهل طاعتت نازل بفرما، از جمله اهل آسمانها و زمین و ما را نیز همراه آنان قرین رحمت خویش بگردان. پروردگارا، گناهانمان را و گناهان والدین و اساتیدمان را و همچنین گناهان تمامی مردان و زنان مؤمن و مسلمان را اعم از زندگان و مردگان مغفرت بنما. حقا که شما قبول کننده ی دعاها و رافع درجات و نازل کننده ی برکات و برآورنده ی نیازها هستید و رحمت واسعه شما را آرزو داریم ای مهربانترین مهربانها.

بارالها! خلفاء راشدین و امراء پیشین را که عادل بوده اند و با حق قضاوت نموده اند مرحمت بنما. بارالها! رهبر و سلطان زمانه را مهربان و رحیم بر علماء و امراء و فضلاء و فقراء و مساکین و رعیت بگردان و او را برای نصرت احکام شرعی یاری ده. خدایا، یاری کنندگان دین اسلام را یاری ده و حامی و ناصرین دین اسلام را مساعدت بفرما. و معرضین و روی گردانان از حق را توفیق نصیب بفرما. ای بندگان خدا، همانا خداوند امر بر عدالت و احسان و رسیدگی بر نزدیکان میکند و از فحشاء و منکر و ظلم باز میدارد، خداوند شما را پند و اندرز میدهد تا او را بیاد آورید و همانا که ذکر و یاد خداوند با برکت و بزرگ است و شایسته ترین و مهمترین و کاملترین چیزها است.

(آداب جمعه و نماز جمعه)

ادب اول: آمادگی داشتن و عزم و قصد نمودن از روز پنجشنبه برای برپائی نماز جمعه - شستن و پاکیزه نمودن لباسها؛ چون در نظافت لباس خاصیت بزرگی برای تقویت روح وجود دارد - مهیا نمودن مواد معطر از قبیل عطر و ادکلن اگر در منزل داشته باشد - فارغ نمودن قلب از مشغولیت‌های دنیوی که مانع رفتن صبح زود به جمعه می‌شود - نیت کردن روزه جمعه. اما بهتر است این روزه، همراه با یک روز قبل یا بعد جمعه باشد و الاً تخصیص نمودن روز جمعه لازم می‌شود و آن هم مکروه است - شب زنده داری در شب جمعه همراه با خواندن نماز و اذکار خداوند و تسبیحات و استغفار و صلوات بر نبی اکرم صلی الله علیه و سلم، اما افضل ترین آنها ختم کردن قرآن کریم یعنی شروع از اول روز پنجشنبه و ختم نمودن در شب جمعه یا شروع روز دوشنبه و ختم شب جمعه یا شروع شب جمعه و ختم روز دوشنبه. با انجام دادن این اعمال آداب استقبال و آماده بودن را کامل کرده و از زمره غافلین خارج می‌گردد. سلف صالحین فرمایش کرده اند: کسانی که نصیبتان را از جمعه گرفته‌اند کسانی هستند که روز پنجشنبه منتظر جمعه بوده و رعایت همه آداب نموده باشند.

ادب دوم: غسل نمودن بعد از طلوع صبح، اگر بخواهد در آن وقت به مسجد جامع برود و الاً قبل از رفتن اولی است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده است: هر کس در روز جمعه غسل کرده و مواد خوشبو کننده و عطر استعمال نماید و به سوی مسجد جامع برود و هر اندازه بتواند نماز نفل بخواند، و هنگامی که امام برای خطبه بلند شود سکوت نماید و خطبه را استماع کند از جمعه گذشته تا جمعه بعد، گناهان آن کس عفو و بخشیده می‌گردد. ادب سوم: آراستن جامه. از بین لباسها پوشیدن لباس سفید رنگ بهتر است چرا که لباس سفید نزد خداوند پسندیده است ولی از پوشیدن لباسهای سیاه رنگ پرهیز باید کرد - مسواک زدن. به فرمایش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم یک نماز با مسواک بهتر است از هفتاد و پنج نماز بدون مسواک. و نیز در حدیث دیگر می‌فرمایند: مسواک را بر خود لازم دانید که همانا آن پاک کننده دهان و خوشنود گرداننده پروردگار است - کوتاه کردن ناخن. از نبی اکرم صلی الله علیه و سلم روایت شده که ایشان فرموده اند: هر کس در روز جمعه ناخن‌هایش را بگیرد از جمعه تا جمعه دیگر از همه بدیها محفوظ می‌ماند. ابن مسعود رضی الله عنه فرموده اند: هر کس در روز آدینه ناخنش را کوتاه کند خدای عز و جل درد را از وی بیرون آورده و شفا را در وی جایگزین می‌کند.

تراشیدن یا کوتاه کردن سبیل. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده اند: سبیل را بر لب برابر دارید و ریش را نتراشید. و در خبر آمده که یهودیها موی لب می‌گذارند و ریش را می‌تراشند پس شما بر خلاف آنها انجام دهید - کندن موی زیر بغل و تراشیدن موی شرمگاه در هر چهل روز یک بار مستحب است و اگر کسی کوتاه کردن آن را عادت کرده باشد، همان کافیست. زیرا مقصود نظافت است - استعمال مواد معطر از قبیل عطر، ادکلن اگر در خانه یافت شود، چرا که برای از بین بردن بوی بدی که از بدن با عرق و غیره بوجود آمده مؤثر می‌باشد و بوی خوش به مشام حاضران می‌رسد. امام شافعی رحمه الله فرموده‌اند: هر کس لباسش پاکیزه باشد غمش اندک است و هر که خوشبو باشد عقلش زیاد است.

ادب چهارم: اول صبح روز جمعه به مسجد جامع آمدن. در رفتن به مسجد جامع باید خاشع و متواضع باشد با نیت آنکه در مسجد تا وقت نماز جمعه معتکف بوده و در پاسخ به ندای آسمانی اذان جمعه که ایشان را به سوی نماز جمعه فرا خوانده است، مترصد باشد. از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر کس در روز جمعه مانند غسل جنابت، غسل نماید و سپس در ساعات اول به مصلاهی جمعه برود مثل آن است که شتری را صدقه کرده باشد و آنکه در ساعات دوم برود مانند آن است که گاوی را صدقه کرده باشد و آنکه در ساعات سوم برود مثل آن است که گوسفندی را صدقه کرده باشد و آنکه در ساعات چهارم برود مثل آن است که تخم مرغی را صدقه کرده باشد، ثواب کسب می‌کند و چون امام بر منبر بنشیند فرشتگان برای شنیدن

خطبه حاضر می‌شوند. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: سه چیز است که اگر مردم بدانند که در آن چه مقدار ثواب است در طلب آن مبادرت و مسابقت می‌کنند؛ ۱- اذان ۲- صف اول نماز جماعت ۳- صبح ساعات اولیه به مسجد جامع برای ادای نماز جمعه آمدن. امام احمد حنبل رحمه الله می‌فرماید: بهترین و پرارزش‌ترین این موارد، در اولین ساعات روز، به مسجد جامع رفتن است.

در قرن اول اسلام، مسلمانان برای ادای نماز جمعه از وقت سحر، چراغ به دست به سوی مصلی حرکت می‌کردند و راههای منتهی به مسجد جامع از ازدحام جمعیت پر بوده و با تحمل مشقات به مسجد جامع می‌رسیدند همچنان که در روز عید اینگونه بود. متأسفانه آن سنت بزرگ ترک شده است! اما چرا مسلمانان از یهود و نصاری شرم نمی‌کنند که آنها در معبد و کلیساها در روزهای شنبه و یکشنبه‌ها صبح زود حاضر می‌شوند و یا طالبان دنیا چگونه سحرگاهان به رفتن سوی عرصه بازارها برای خرید و فروش و فائده آن مبادرت می‌کنند! پس چرا طالب آخرت بر اینها سبقت نجوید و مبادرت نوزد! بنابراین ای مسلمانان نماز گزار کمی به خود آییم و در امر آخرت پیشتاز باشیم.

ادب پنجم: در وارد شدن به مسجد طوری باید عمل نمود که هیچ گونه اذیت و آزاری متوجه دیگران نشود و همچنین مواظب بود تا از جلوی نماز گزار عبور نمود که تهدید شدیدی بر اینگونه نماز گزاران آمده که هر کس در روز جمعه پای بر گردن مردم گذارده و موجب آزار آنان شود روز قیامت وی را پلی قرار دهند بر روی جهنم تا از روی وی گذر کنند. ابن جریر رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در اثنای خطبه جمعه مردی را دیدند که پای بر گردن مردم می‌گذارد تا این که جلوتر آمد و نشست، پیامبر صلی الله علیه و سلم بعد از اینکه از نماز فارغ شدند روی به ایشان کردند و گفتند: چه چیزی مانع از نماز گذاردن با ما شد؟ آن مرد گفت: آیا مرا ندیدی یا رسول الله که با شما، نماز جمعه خواندم! پیامبر صلی الله علیه و سلم گفتند: تو را دیدم که پای بر گردن مردم گذاشته و حاضران را با این عمل ناپسندیده رنجاندی. هر کس مسلمانی را اذیت کند گویا مرا اذیت کرده و هر کس مرا اذیت کند گویا خداوند را اذیت کرده است. نتیجه گفته پیامبر صلی الله علیه و سلم اشاره‌ایست که عمل آن مرد، پسندیده نبوده و عمل خود را ضایع کرده است. اما در مورد رد نشدن از جلوی نماز گزار پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمایش کردند: چهل ایستادن بهتر از عبور کردن از جلوی نماز گذار است.

ادب ششم: تلاش برای ایستادن در صف اول. ایستادن در صف اول نماز جماعت فضایل بسیاری دارد. چنانچه روایت شده و در خبرها نیز آمده اگر هر مسلمانی روز جمعه غسل کند و صبح زود به مسجد جامع برود و نزدیک امام جمعه در صف اول بنشیند و خطبه گوش دهد کفاره گناهان ما بین دو جمعه به اضافه سه روز می‌شود. ادب هفتم: نماز نخواندن و سخن نگفتن به هنگام قیام خطیب، بلکه به جواب اذان مشغول شدن و به خطبه استماع نمودن. از حضرت علی و عثمان رضی الله عنهما روایت کرده‌اند: هر کس هنگام خطبه ساکت باشد و استماع نماید دو اجر را تصاحب می‌کند و هر کس استماع خطبه کند ولی ساکت نباشد، یک اجر را تصاحب می‌شود و هر کس استماع خطبه ننماید و صحبت هم بکند یک گناه را تصاحب می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمایش کردند: هر کس در هنگام خطبه به کسی بگوید ساکت باش، مرتکب گناه شده و هر آن کس هنگام خطبه مرتکب گناه شود بر او جمعه نیست.

ادب هشتم: ماندن در مسجد تا خواندن نماز عصر. گفته شده، هر کس تا عصر بماند و نماز عصر را در مسجد جامع بخواند برابر با ثواب حج بر او داده خواهد شد و اگر نماز مغرب را نیز بخواند بر وی ثواب حج و عمره خواهد بود. ادب نهم: صدقه دادن. روز جمعه دادن صدقه به فقراء و مستمندان مستحب است اگر چه تگه نانی هم باشد. رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: هر کس در روز جمعه صدقه بدهد و لو اینکه تگه نانی هم باشد از آسمان ندایی از جانب خداوند متعال می‌آید، ای دوست خدا، عمل خود را

از نو تکرار کن، به درستی که همه گناهان گذشته‌ات را بخشیدم. در خبرها نیز آمده که رسول الله صلی الله علیه و سلم و اصحاب کرام رضی الله عنه در روز جمعه به فقراء و مستضعفان صدقه اعطاء می‌کردند. ادب دهم: زیارت پدر و مادر. روز جمعه زیارت پدر و مادر مستحب است و اگر از دنیا فانی شده باشند زیارت بر قبر ایشان به جا بیاورند. اگر کسی چنین نماید خداوند متعال او را در رحمت خویش غرق می‌کند و ثواب حج و عمره در نامه اعمال او می‌نویسد. سلف صالحین رحمه الله علیهم آدابی غیر از اینها نیز سفارش نمودند. من جمله، حضور مؤمنین در مجلس علم و تلاوت روح بخش کلام الله (قرآن مجید) و فراوانی نمودن طعام بر اهل خانواده و اختصاص اوقاتی از شبانه روز به امورات آخرت.

(فضیلت جمعه)

حضرت معاذ ابن جبل رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و سلم چنین نقل می‌کند: نماز جمعه حج مساکین، عید اهل دنیا در دنیا، عید اهل آسمان در آسمان و عید بهشتیان در بهشت است. یعنی جمعه روز شادی اهل دنیا و اهل طاعت بعثت از دیاد طاعت و روز شادی گناهکاران بخاطر آمرزیده شدنشان است و یکی از نامهای این روز، «یوم السرور» می‌باشد. به فرموده پیامبر صلی الله علیه و سلم «روز جمعه عید اهل آسمان است در آسمان» یعنی شادی است بر اهل آسمان (اهل آسمان فرشتگان و روحانیون و کربوبیان هستند و بعضی از آنها آن چنان صاف اند که از دید فرشتگان مخفی اند). در شب معراج، پیامبر صلی الله علیه و سلم به هنگام سفر صدای سلام می‌شنید، که میگفتند: السلام علیک یا رسول الله، السلام علیک یا حبیب الله. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: برادرم جبرائیل آوازی می‌شنوم اما کسی را نمی‌بینم! حضرت جبرائیل علیه السلام فرمودند: یا رسول الله اینان فرشتگانی هستند که از شدت صفایشان ما نیز آنها را نمی‌بینیم، و روز جمعه این فرشتگان نیز بخاطر نزول رحمت خداوندی شادمانند.

در روایات آمده است که روز جمعه حضرت جبرئیل علیه السلام در آسمان چهارم بر بالای بیت المعمور اذان می‌گوید و فرشتگان جمع میشوند و حضرت میکائیل علیه السلام خطبه می‌خواند و حضرت اسرافیل علیه السلام امامت میکنند. بعد از برپائی نماز جمعه حضرت جبرئیل علیه السلام میفرمایند: من ثواب اذان خود را بر مؤذنان امت محمد صلی الله علیه و سلم بخشیدم، و میکائیل علیه السلام میفرمایند: من نیز ثواب خطبه‌ام را بر خطیبان امت محمد صلی الله علیه و سلم بخشیدم، و اسرافیل علیه السلام میفرمایند: من هم ثواب امامت خویش را بر ائمه امت محمد صلی الله علیه و سلم بذل نمودم و تمامی فرشتگان نیز می‌گویند: که ما نیز ثواب اقتدای نماز جمعه خویش را به مقتدیان نماز جمعه امت محمد صلی الله علیه و سلم بخشیدیم. از خداوند متعال فرمان میرسد به عزت و جلالم قسم، کسانی که نماز جمعه را به جهت امتثال دستورم و اقتداء به حبیبم محمد صلی الله علیه و سلم بر پا نمودند گناهانشان را بخشیدم و بهشت را در اختیارشان قرار داده و دوزخ را برایشان حرام گردانیدم. ای مؤمنان چنانچه فرشتگان و آدمیان را روز جمعه عید است بر مردگان نیز عید است.

در خبر آمده است که ارواح مؤمنان مرده در هر شب جمعه می‌آیند، ابتداء بر سر قبر خود می‌رسند و تن خویش را می‌بینند و آب حسرت بر گونه‌هایشان جاری می‌شود و می‌بینند که چشم ترقیده و موی سر و ریش ریخته، پوست و گوشت از استخوان جدا گشته و آن وجود نازینشان در خاک مخلوط شده است و از آنجا به خانه‌هایشان می‌آیند و دم در می‌ایستند و زبان می‌گشایند و با صدای نرم و اندوهناک می‌گویند: ای ساکنان خانه ما و ای قبض کنندگان اموالمان و ای سرپرستان زنان ما، چنانچه ما اسیر خاک شدیم شما نیز

خواهید شد، و چنانچه ما را از تصرفات اموال دنیا باز داشته‌اند شما را نیز باز خواهند داشت؛ هوشیار باشید که نباید این دنیا شما را فریب دهد چنانچه ما را فریب داده است، چنانچه ما پشیمان شده ایم شما نیز پشیمان خواهید شد. چنانچه بر ما سود نداشت بر شما نیز سود نخواهد داشت.

ای برادران و ای دوستان و ای فرزندان، ما را به نظر رحمت و شفقت ببینید و دست عطوفت از سر ما دور مدارید، و از دغاهای خیرتان ما را محروم نسازید. پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: اگر آن مردگان چیزی بیابند، شادمان و دعا گویان باز می‌گردند و اگر چیزی نیابند، بد دعا کنان باز گردند و می‌گویند: ای بار خدایا آنها را از رحمت خویش محروم گردان، چنانچه ما را از صدقه و دعا محروم کردند. ای بار خدایا ناامیدشان کن از رحمت خویش، چنانچه ما را از بخشش خودشان ناامید کردند. اصحاب رضی الله عنهم پرسیدند: یا رسول الله اگر کسی را قوم و خویش نباشد، روح او به کجا می‌رود؟ رسول صلی الله علیه و سلم فرمودند: به مسجد می‌آیند و دم در می‌ایستند و از مسلمین طلب دعای خیر می‌نمایند و بعد از اقامه نماز جمعه عودت می‌نمایند. ای مؤمنان تا زنده‌اید مردگان را یاد کنید و آنها را با دادن صدقه و خواندن قرآن فراموش نکنید تا شما را نیز بعد از مردن فراموش نکنند. به فرموده پیامبر صلی الله علیه و سلم «روز جمعه عید اهل بهشت است در بهشت»، یعنی بهشتیان را هر روز، عید و شادمانی است بالأخص روز جمعه که نورشان به برکت کار نیک مؤمنان زیاده و بر جمالشان می‌افزاید. هر عمل و رحمتی که در روز عید انجام می‌پذیرد در روز جمعه نیز انجام می‌گیرد، اعم از غسل و پوشیدن لباس پاک و استعمال عطر و ...

در احادیث آمده که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: روز جمعه بهترین و شریفترین ایام هفته و گنج نیکبها و معدن خیرات است. از حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: بی‌گمان خداوند ایام هفته را آفرید و برتری امتم را از سائر امتها اختیار نمود و روز جمعه را بر امتم ارزانی داشت؛ چون هر عمل پسندیده‌ای که انسان در روز جمعه انجام دهد در نامه اعمال او «۷۰» حسنه نوشته می‌شود و اگر در روز و یا شب جمعه فوت کند گناهان پیشین و پسین او آمرزیده می‌شود و از این دنیا طوری خارج می‌شود که همه گناهانش مغفرت شده باشد. حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر انسانی در روز جمعه و یا شب جمعه فوت نماید روز قیامت از عذاب خداوند نجات پیدا کرده و مهر و علامت شهداء بر وی نهاده شده و در زمره شهداء قرار می‌گیرد.

در حدیثی دیگر پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: خداوند سه کس را از عذاب قبر ایمن می‌دارد: مؤذن، شهید، متوفی در شب جمعه. حضرت ابن منذر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت می‌کند که ایشان می‌فرمایند: روز جمعه سرور ایام هفته است و در نزد خداوند از روز عید فطر و عید قربان نیز فاضلتر است و در این روز لحظه‌ای وجود دارد که اگر شخصی حاجتی را از خداوند طلب نماید حاجتش را اجابت کرده می‌شود مادامی که مطلوب خلاف شرع نباشد. حضرت علی کرم الله وجهه می‌فرماید: به هنگام فرا رسیدن شب جمعه پیامبر صلی الله علیه و سلم چنین می‌فرمودند: خوش آمدی ای شب مغفرت، بشارت باد بر کسانی که در تو عمل خیر انجام می‌دهند و بدبختی باد بر کسانی که در تو عمل ناپسند انجام می‌دهند و همانا خداوند در شب جمعه صد هزار انسان را که مستوجب آتش جهنم هستند به فضل خویش آزاد می‌کند.

فخر عالم پیامبر خاتم صلی الله علیه و سلم در حدیثی می‌فرماید: خورشید بر روزی طلوع و غروب نمی‌کند که از روز جمعه افضل باشد؛ چرا که در این روز حضرت آدم علیه السلام خلق شده و در همین روز وارد بهشت گردیده و در همین روز از بهشت رانده شده و در همین روز توبه اش مستجاب گردید و بی‌شک وقوع قیامت نیز در همین روز خواهد بود. ای مؤمنان فضایل شب و روز جمعه بسیار است و خوشبختانه این روز را خداوند خاصه امت محمد گردانیده است و باید سعی ما بر این باشد که نهایت استفاه را

از این فرصت به عمل بیاوریم و توشه و ذخیره آخرتیمان را با عبادت خالصانه تهیه و آماده سازیم. امام احمد حنبل رحمه الله علیه می‌فرماید: از بعضی جهات درجه شب جمعه از شب قدر نیز بیشتر است؛ چرا که در این شب سرور ثقلین نبی اکرم صلی الله علیه و سلم در رحم مادرش حضرت آمنه سلام الله علیها جلوه افروز شدند و این کرامت باعث اینقدر خیر و برکت بی حساب است. روایت شده زمانی که حج بر ثروتمندان فرض شد، همه فقراء غمگین شدند که ما قدرت رفتن به حج را نداریم و ما از ثواب و برکت حج محروم هستیم، به سبب شکسته شدن دل آنها نماز جمعه فرض شد. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: بشارت باد بر شما ای گروه فقراء، تحقیق خداوند تعالی جمعه را بر ما فرض کرد پس هر کس نماز جمعه را اداء نماید حقیقتاً که حج را اداء کرده است.

(عبادات در روز جمعه)

روز جمعه در بین ایام هفته روزی است با فضیلت و در این روز عبادت خداوند بارور می‌شود و همه مؤمنین نمازگذار را غرق معنویت خود کرده و دلها را صیقل می‌دهد چرا که، خداوند این روز را برگزیده است. از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم روایت شده که می‌فرماید: خداوند متعال در شب جمعه بر فرشتگان دستور می‌دهد که ابواب آسمان را بگشایند و طبق این دستور فرشتگان رحمت نازل می‌شوند در حالی که در دست هر کدام ظرفی بزرگ پر از نور است. خداوند به آنان امر می‌کند که نورهای رحمت را به بندگان خود تقسیم کنند. به راستی که خداوند این روز را برای عاصیان امت حضرت محمد صلی الله علیه و سلم رحمت قرار داده و اجر عبادت را چندین برابر می‌کند. اما عبادتها نیز انواع متعددی دارند و اجرهایش نیز گوناگون است. من جمله سنت بودن قرائت سوره مبارکه کهف در شب و روز جمعه. پیامبر صلی الله علیه و سلم سفارش کردند: هر کس روز جمعه سوره کهف را قرائت نماید، قرائت آن سوره باعث نورانیت آن شخص بین دو جمعه می‌شود. و به روایتی، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر کس در روز جمعه سوره کهف را بخواند، خداوند مهربان گناهان یک هفته ایشان را خواهد بخشید. این گفته پیامبر صلی الله علیه و سلم دلالت بر افضل بودن روز جمعه و فضل عبادت در این روز است.

در احیاء العلوم، امام محمد غزالی رحمه الله علیه چنین ذکر کردند که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر کس بعد از نماز جمعه ۸۰ مرتبه این صلوات را بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ» گناهان ۸۰ ساله وی که در کارنامه اعمالش بوده، بفرمان خداوند محو شده و آمرزیده می‌گردد و اگر عمر وی کمتر از ۸۰ سال باشد در روز قیامت او را مخیر می‌گردانند تا گناهان هر کس را که بخواهد محو نماید. از حضرت ابی الدرداء رضی الله عنه روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: روز جمعه بر من زیاد صلوات بفرستید چون این روز، مشهود است و فرشتگان شاهد می‌شوند و کسی بر من صلوات نمی‌فرستد، مگر اینکه بر من صلوات او عرض می‌شود تا هنگامی که از صلوات باز ماند.

حضرت انس ابن مالک رضی الله عنه از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم روایت می‌کند: هر کس در روز جمعه قبل از نماز صبح این استغفار را بگوید «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَآتُوبُ إِلَيْهِ» خداوند متعال همه گناهان وی را مغفرت می‌کند، اگر مانند کف دریا هم باشد. روایت شده روزی حضرت موسی عایه السلام به کوه بیت المقدس رفتند و در آنجا جماعتی را مشاهده کردند که خداوند را با سعی و کوشش فراوان عبادت می‌کنند و از آنها پرسید شماها کیستید و چکار می‌کنید؟ آنها جواب دادند: ما از امت شما

هستیم و هفتاد سال می‌شود که خداوند را به این طریق عبادت می‌کنیم. لباس ما، لباس صبر و غذای ما، گیاهان زمین و شراب ما، آب باران است. حضرت از این واقعه خیلی مسرور شدند.

خداوند کریم به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد و گفت: ای موسی، بر امت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم روزی هست که در این روز ۲ رکعت نماز گذاردن از همه عبادت آن گروه بهتر است. حضرت موسی علیه السلام پرسید، پروردگارا آن چه روزی است؟ خداوند پاسخ داد، آن روز جمعه است. حضرت موسی علیه السلام آن روز را آرزو کرد که روز خودش باشد. خداوند وحی کرد: ای موسی شنبه روز شما و یکشنبه روز عیسی و دوشنبه روز ابراهیم و سه شنبه روز زکریا و چهارشنبه روز یحیی و پنجشنبه روز آدم و جمعه روز محمد و امتش است. حضرت موسی علیه السلام از فضل امت محمدی بسیار متعجب گشتند.

حضرت ابن عباس رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند: هر کس روز جمعه بین نماز ظهر و نماز عصر ۲ رکعت نماز بخواند در رکعت اول فاتحه یک مرتبه و آیه الکرسی یک مرتبه و سوره فلق ۵۰ مرتبه و در رکعت دوم، فاتحه یک مرتبه و سوره اخلاص یک مرتبه و سوره ناس را ۲۵ مرتبه بخواند هرگز از دنیا خارج نمی‌شود مگر خداوند را در رؤیای خود می‌بیند و مکان خودش را نیز در بهشت خواهد دید. حضرت ابن عباس رضی الله عنه در حدیثی دیگر از پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین روایت می‌کند: هر کس بعد از ادای نماز جمعه «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» را ۱۰۰ مرتبه بگوید خداوند ۱۰۰۰ گناه وی و ۲۴۰۰۰ گناه پدر و مادرش را مغفرت خواهد کرد. از آنجائی که روز جمعه بهار سرسبز طاعت و بهترین روز برای تصاحب اجر و برکت و خالی نمودن دل خویش از معصیت است، ام المؤمنین حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنها از پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین روایت می‌کند: هر کس بعد از اتمام نماز جمعه سوره اخلاص و فلق و ناس را ۷ مرتبه قرائت نماید، خداوند منان او را تا جمعه دیگر از همه بدیها دور خواهد کرد.

نقل شده که هر کس سوره های فاتحه و اخلاص و فلق و ناس را ۷ مرتبه بعد از اتمام نماز جمعه قرائت کند همه گناهان گذشته و آینده وی قبل از اینکه از مکانش بلند شود مورد عفو خداوندی قرار خواهد گرفت. و به تعداد کسانی که به خدا و رسولش ایمان آورده اند ثواب داده می‌شود. و نیز تا جمعه آینده از ارتکاب گناه محفوظ می‌ماند. و به روایتی بیش از این مدت از گناه مصون می‌شود. و در روایت دیگری چنین آمده که اگر شخصی سوره های فوق الذکر را قبل از هیچ کلامی تلاوت نماید دین و دنیا و اهل و عیال او از معاصی دور خواهند بود و همچنین بعد از تلاوت این سوره ها، دعای ذیل را بخواند. «اللَّهُمَّ يَا غَنِيُّ يَا حَمِيدُ، يَا مُبْدِيُّ يَا مُعِيدُ، يَا رَحِيمُ يَا وَدُودُ، اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ». از حضرت ابی السیف رحمه الله علیه نقل شده که هر کس این دعا را در روز جمعه ۷۰ مرتبه بخواند دو جمعه نمی‌گذرد تا اینکه ثروتمند می‌شود. از حضرت ابی طالب المکی رحمه الله علیه نقل شده که هر کس به خواندن این دعا به غیر عدد مداومت کند خداوند او را از مخلوقاتش بی‌نیاز می‌سازد و از جائی که گمان نمی‌برد، رزق او را تأمین خواهد کرد.

(حکایت)

در زمان حضرت مالک ابن دینار رضی الله عنه دو برادر مجوسی زندگی می‌کردند یکی از آنها ۷۳ سال و دیگری ۳۵ سال آتش پرست بودند. روزی برادر کوچک به برادر بزرگ گفت: ما چندین سال است که آتش را می‌پرستیم، بیا این آتش را امتحان کنیم اگر ما را نیز همانند سایر انسانها بسوزاند آن را عبادت نکنیم و اگر نسوزاند تا جان در تنمان باشد پرستیم. در این وقت برادر کوچک از برادر بزرگش خواست تا اول وی دستش را درون آتش قرار دهد. برادر بزرگتر گفت: اول شما و بعد من. برادر کوچک دستش را

داخل آتش گذاشت و دستش سوخت و آهی کشید و خطاب به آتش گفت: من شما را چندین سال عبادت کردم و حالا ای ظالم مرا اینگونه اذیت می کنی! و نوبت به برادر بزرگ رسید اما او گفت: من اینکار را انجام نمی دهم و بعد از این ماجرا برادر کوچک با خانواده اش نزد حضرت مالک ابن دینار رضی الله عنه حاضر شدند و وی مشغول وعظ و نصیحت کردن به مردم بود. سلام کرده و قصه خویش را بازگو نمودند.

آنحضرت به وی و خانواده اش اسلام را عرض کرد و آنان نیز پذیرفتند. یاران آنحضرت از فرط شادی اشک ریختند. حضرت مالک ابن دینار رضی الله عنه فرمودند: پیش ما باش تا من از یارانم چیزی از مال دنیا برایت جمع آوری کنم. آن فرد تازه مسلمان در جواب گفت: من دین را با مال دنیا معامله نمی کنم. و از محضر آنحضرت مرخص شدند و به خرابه های شهر رفتند و در آنجا با زن و فرزندان خود به عبادت خداوند یکتا مشغول شدند و شب را سپری کردند. صبح همسر آن مرد گفت: برو کاری پیدا کن تا با اجرت آن برایمان طعامی بخری. آن مرد در جستجوی کار رفت ولی کسی به او کاری نداد و در دل خود گفت: من برای پروردگارم کار کنم بهتر است و داخل مسجد شد و تا شب عبادت خداوند را بجای آورد و دست خالی به خانه بازگشت. همسرش پرسید: آیا کاری پیدا کردی؟ مرد در جوابش گفت: من برای یک کس کار کردم که مزدم را فردا خواهد داد و آن شب را با شکم گرسنه سپری کردند.

صبح فردا در خیابانها گشت، ولی طبق معمول کسی به وی کاری نداد و بار دیگر به عبادت خداوند مشغول شد. و شب دوم نیز دست خالی به خانه برگشت و همسرش پرسید: امروز چه کاری انجام دادی؟ کما فی السابق جوابش را داد و با شکم خالی شب را سپری کردند و این روز، روز جمعه بود و در این روز نیز کاری پیدا نکرد و وقت نماز جمعه فرا رسیده بود به مسجد آمد و فریضه نماز جمعه را انجام داد. و بعد دستش را به آسمان بلند کرده و از خداوند چنین خواست: پروردگارا به حرمت این دین و به حرمت این روز غم روزی زن و بچه هایم را از قلبم بزدای، من از زن و بچه هایم خجالت می کشم و می ترسم از گرسنگی، دوباره به دین برادر بزرگم برگردند.

در آن هنگام مردی، در منزل او را زد و همسر آن شخص تازه مسلمان خارج شد. جوانی زیارویی را در پشت در، یافت که در دستش یک سبد طلا بود و آن جوان زیارو گفت: این را بگیر و به همسرت بگو این اجرت عملی است که در این روز (روز جمعه) برای رضای خداوند انجام داده است؛ چون که در این روز عمل اندک در نزد خداوند اجرش بسیار است. زن آن مرد سبد را برداشت و در داخل سبد هزار دینار یافت و یک دینار را برداشت و به صرافی برد و صراف آن دینار را وزن کرد و وزن آن برابر دو دینار این دنیا شد. صراف از نقش های آن دینار فهمید که این دینار دنیوی نیست، و پرسید این را از کجا بدست آوردی؟ آن زن ماجرا را تعریف کرد و صراف گفت: به من نیز اسلام را عرضه کن تا من هم مسلمان شوم و بدینوسیله آن مرد صراف مسلمان شد و به آن زن هزار دینار دنیوی داد. در آن هنگام نماز جمعه به پایان رسیده بود و آن مرد بار دیگر با دست خالی ولی این بار سبدش را پر از خاک کرد و در دلش گفت: اگر زخم پرسید امروز چکار کردی، می گویم امروز پیش آسیابان کار کردم و این سبد آرد را آوردم، در این فکر بود که وارد منزلش شد و بوی غذا را حس کرد و سبدش را کنار در گذاشت تا زنش نفهمد آن چیست. و بعد پرسید این بوی چیست؟ زنش ماجرا را بطور مفصل برای شوهرش تعریف کرد و آن مرد سجده شکر بجا آورد. سپس همسرش پرسید: در سبدت چه داری؟ گفت: نپرس، زنش سبد را باز کرد و دید خاکها نیز به اذن خداوند و به حرمت نماز جمعه تبدیل به آرد شده بودند و آن مرد دوباره سجده شکر بجا آورد.

(توصیه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به حضرت عمر رضی الله عنه)

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم به حضرت عمر رضی الله عنه سفارش کردند: ای عمر، نماز جمعه را بر خویش لازم بدان، زیرا نماز جمعه خطاها و گناهان را منهدم می کند، آنچنانکه شخصی خانه‌ای را خراب کرده و منهدم می سازد. و بار دیگر آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای عمر انسانی نیست که در روز جمعه برای نماز جمعه غسل کند مگر اینکه بعد از اتمام غسل از گناهانش فارغ می شود مثل روزی که از مادر متولد شده باشد. و بار دیگر فرمودند: ای عمر انسانی نیست که برای نماز جمعه از خانه اش بیرون رود مگر اینکه همه سنگ‌ها و کُلُخها به آن شهادت می دهند و در حق او طلب استغفار می کنند حتی خاکهایی که بر روی آن پا می گذارد. و بار دیگر فرمودند: ای عمر کسی نیست که لباس پاکیزه خود را بپوشد و برای نماز جمعه از منزلش خارج شود مگر اینکه خداوند او را با نظر رحمت نگاه می کند و همه حاجات او را چه اخروی و چه دنیوی بر آورده می کند.

و بار دیگر نیز فرمودند: ای عمر همانا خداوند فرشتگان را در روز جمعه بر روی زمین ارسال می کند و آنان تا هنگامی که مؤذن اذان بگوید، در شهرها و روستاها مشغول گشت زدن می شوند و وقتی که اذان گفته می شود فوراً به مسجد داخل شده و کسانی را که قبل از اذان به مسجد آمده اند، آنان را در حال رکوع و سجود می یابند و در حق آنان اینگونه دعا می کنند: «اللَّهُمَّ اِغْفِرْ عَنْهُ وَ تَقَبَّلْ مِنْهُ» یعنی خدایا گناهان آن مؤمن را عفو کن و عبادتش را قبول گردان. و بر در مساجد می ایستند و آنهایی را که وارد مسجد می شوند می شمارند و با آنها مصافحه کرده و برایشان طلب استغفار می کنند. و هنگامی که خطیب بر منبر می نشیند، فرشتگان نیز بین صفوف مؤمنین می نشینند و بر رخصار مردم نظر می افکنند و بر آنها طلب مغفرت می کنند و هنگامی که بر نماز می ایستند آنها نیز با نماز گزاران در صفوف نماز می ایستند تا به برکت نماز جمعه نایل شوند. وقتی که امام سلام داده و دعا می کند آنها نیز در بین جماعت آمین می گویند و به برکت آن فرشتگان خداوند گناهان آن جماعت را مغفرت خواهد کرد و هنگامی که مردم از نماز جمعه فارغ شدند فرشتگان با صحیفه‌هایی از نماز و تسبیحات و استغفارهای آن جماعت به آسمان می روند و زیر عرش اعلی توقف می کنند و می گویند خدایا این مکتوبات نماز جماعت و اذکار فلان شهر یا روستا است و خداوند می گوید ای فرشتگان با نامه اعمال آن جماعت مؤمن نزد جبرئیل بروید و بگوئید: خداوند به شما دستور داده که این مکتوبات را در پرونده این اشخاص بایگانی کنی. و حضرت جبرئیل علیه السلام نیز با آن مکتوبات به محلی که پرونده‌های آن اشخاص بایگانی می شود رفته و بایگانی می کند و تا روز قیامت در آنجا نگهداری می شود. این بود توصیه نبی مکرم اشرف مخلوقات و سرور کائنات محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم به حضرت عمر فاروق رضی الله عنه.

(عواقب ترک نماز جمعه)

خداوند متعال با آیه‌ای در سوره مبارکه جمعه صراحتاً نماز جمعه را بر مؤمنان فرض نمود و از مؤمنان خواست که هر وقت اذان جمعه گفته شود، معامله و کارهای دیگر را کنار گذاشته و به سوی ذکر خدا (نماز جمعه) بشتابند. پس وظیفه ما مسلمانان این است که به دستور خداوند منان لیبیک گفته و آن را به طور صحیح و با حضور قلب انجام دهیم. و از آنجایی که روز جمعه، روزی بزرگ و بافضیلت و عید مؤمنان است، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر کس بدون عذر ۳ جمعه را ترک کند مثل این

است که اسلام را پس انداخته و مانند کسی است که دل وی زنگ زده باشد. و بار دیگر فرمودند: در روز جمعه هر کس ندای اذان را بشنود و در نماز جمعه شرکت نکند خداوند متعال بر دل وی مهر می‌زند و بدین ترتیب قلب او همانند قلب منافقان می‌شود، یعنی هیچ خیری در زندگی‌اش نخواهد دید. در حدیثی دیگر پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرمایند: به راستی که خداوند برای شما مسلمانان نماز جمعه را در این روز و در این ماه و در این سال فرض کرد و آگاه باشید، هر کس این نماز جمعه را از روی سبک شمردن و سهل‌انگاری ترک کند، نه نماز و نه روزه و نه زکات و نه حجّ او مقبول خواهد شد. و هر کس توبه کند خداوند بخشنده و مهربان توبه او را قبول خواهد کرد.

از ابوهریره رضی الله عنه و ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده که از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیده اند در حالی که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر منبر بود، می‌فرمودند: کسانی که نماز جمعه را ترک می‌کنند اگر از آن عمل دست نکشند خداوند قلبشان را مهر می‌کند و هدایت بر دلشان راه نمی‌دهد. و سپس از جمله غافلین و ناآگاهان خواهند شد. از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به گروهی که از نماز جمعه تخلف کرده بودند فرمودند: تصمیم داشتیم که مردی را تعیین کنم تا برای مردم امامت کند سپس خودم بروم و خانه کسانی را که از نماز جمعه تخلف کرده اند آتش بزنم. بنابراین از آیات قرآن کریم و احادیث نبی صلی الله علیه وسلم نتیجه می‌گیریم نماز جمعه یک فریضه مهم الهی است و تارک آن گناهکار و منکر آن نعوذ بالله کافر محسوب می‌شود. پس هر فرد مؤمن و مسلمان باید وظیفه شرعی خویش را دانسته و به تمامی اوامر خداوند مطیع و پایبند باشد. خداوند به همه مسلمین توفیق شرکت در نماز جمعه و دیگر فرایض را عنایت بفرماید. آمین یا رب العالمین.

(مسئله خضوع و خشوع)

مسئله ای که در مورد نماز قابل یادآوری است مسئله خضوع و خشوع و درست بجا آوردن ارکان نماز است که متأسفانه بدان کمتر توجه می‌شود. در حالی که هر گاه نماز گزار خضوع و خشوع و آرامش را در رکوع و سجود و سایر ارکان رعایت نکند نمازش ناقص است و بهره درستی از نمازش نمی‌تواند ببرد. باید دانست که در حقیقت نماز گزار با پروردگار مناجات می‌کند و سخن می‌گوید. ناگفته پیداست سخنی که از روی غفلت گفته شود برازنده عنوان «مناجات» نمی‌تواند باشد. باید متذکر شد که نماز به مانند هیچ یک از دیگر آداب دینی نیست. پرداخت زکات هر چند از روی غفلت هم باشد در واقع مخالفت و عناد با امیال نفسانی است و روزه نیز بازدارنده نیروهای نفسانی و شکست دهنده تسلط امیال شهوانی که آلت دست دشمن خدا (شیطان) است می‌باشد. و بعید نیست که با غفلت هم مقصود از آن حاصل آید. همچنین حج که شامل اعمالی سخت و پرمشقت می‌باشد، در آن مجاهده ای است بزرگ، که با رنج و ریاضت انجام می‌گردد. چه حضور قلب در اعمال آن باشد، چه نباشد. لیکن نماز گوهر دیگری است.

عبدالواحد بن زید رحمه الله می‌گوید: همه علماء اتفاق نظر دارند که نماز بهره ای برای گزارنده اش جز آن مقدار که در آن حضور دل داشته، ندارد. و آنچه از بزرگان و علمای راستین در این باره آمده بسیار است باید به دلایل شرعی رجوع نمود و همچنین به آیات و اخباری که در این باره وارد شده راه جست. حقیقت این است که مقام فتوی، مقتضی حال مردم است، مردمی که اغلب در دین عمیق نیستند. لذا شرط داشتن حضور دل در تمام نماز بر مردم غیر ممکن است. زیرا همه نمی‌توانند از عهده آن برآیند. فقهاء راه چاره را در این جسته‌اند که حضور قلب باید باشد و لو برای یک لحظه که بهترین آن، هنگام تکبیر الاحرام (الله اکبر) در آغاز نماز

است و این حداقل را بسنده و کافی می‌دانند. آنان چنین امید دارند که حال شخص غافل در نماز همچون تارک آن نباشد. چرا که وی روی هم رفته نمازش را ظاهراً به انجام رسانیده و برای یک لحظه حضور دل داشته است.

اما به راستی چگونه نباید بیمناک بود از اینکه در پیشگاه خداوند حاضر شویم و از روی غفلت و تقصیر - که توهین و اسائه ادب است - سخن بگوییم؟ به عقیده من چنین کسی حالش بدتر از حال تارک نماز است که از اطاعت خداوند روی برتافته است. هنگامی که اسباب بیم و امید با هم متعارض شوند کار بدتر از این که هست خواهد بود لیکن کلید همه اینها در دست شماست. با این وضع نمی‌توان با فقهاء در آنچه که به صحت فتوی داده‌اند مخالفت نمود، چه آنکه از ضروریات فتوی است. بطوری که بیشتر بیان شد. هر آنکه بر اسرار نماز واقف باشد می‌داند که غفلت با نماز در تضاد است.

نتیجه سخن آنکه روح نماز، حضور دل است و کمترین رمقی که از این روح باقی می‌ماند در تکبیره الاحرام است که کاستن از آن (حداقل حضور دل) در این هنگام موجب هلاکت خواهد بود. نماز گزار هر اندازه که بر حضور قلب خود بیافزاید، روح در اجزای نماز، انبساط و وسعت می‌یابد و بسیارند افراد زنده ای که حرکت و جنبشی ندارند و به مرده بیشتر شبیه‌اند تا زنده! بنا برین شخصی که در طول نمازش جز به وقت تکبیر، غافل باشد مانند زنده بی‌حرکت می‌ماند که ذکر کردیم. از خداوند خواستاریم که ما را در این امر یاری و نصرت عطاء فرماید.

(ترتیب ادای نماز جمعه)

طریقه ادای نماز جمعه بشرح ذیل است:

۱) دو رکعت نماز تحیه المسجد (۲) چهار رکعت سنت قبله جمعه (۳) اذان دوم - خطبه (۴) دو رکعت فرض جمعه (۵) چهار رکعت سنت بعدیه جمعه (۶) چهار رکعت احتیاط ظهر «آخر ظهر» (۷) دو رکعت سنت وقت.

از ابی قتاده رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر گاه یکی از شما به مسجد وارد شود نباید بنشیند تا ۲ رکعت نماز به نیت تحیه المسجد بگذارد. بقول امام ابو حنیفه و امام محمد شیبانی و امام ابویوسف رحمهم الله خواندن ۴ رکعت قبل از فرض جمعه سنت می‌باشد. از عبدالله رضی الله عنه روایت شده که ایشان چهار رکعت قبل از فرض جمعه و چهار رکعت بعد از آن می‌خواندند. به گفته علماء اذانی که بعد از خروج امام پیش منبر گفته می‌شود اذان اصلی است که در عهد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و همینطور از زمان ابوبکر رضی الله عنه و عمر رضی الله عنه و دیگر خلفای راشدین رضی الله عنهم تا حالا ادامه دارد.

جمهور علماء خطبه نماز جمعه را واجب می‌دانند و استدلالشان آن است که بموجب احادیث صحیح ثابت شده که پیوسته پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز جمعه خطبه می‌خواندند. و کلمه «ذکر» در آیه [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ] را به خطبه نماز جمعه تفسیر کرده‌اند چه بسا خطبه مشتمل بر ذکر است. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر گاه یکی از شما ۲ رکعت فرض جمعه را اداء نمود، پس باید بعد از آن ۴ رکعت نماز بگذارد. بحث ۴ رکعت احتیاط ظهر در فصل احتیاط ظهر مفصلاً بیان شده است. از ابن عمر رضی الله عنه روایت شده که، به همراه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بعد از جمعه ۲ رکعت نماز می‌گزارده‌اند.

(نیت‌های نماز جمعه)

نماز جمعه در کل دارای ۱۸ رکعت فرض و سنت می‌باشد که نیت‌های آن بشرح ذیل است:

- ۱- نیت کردم خواندن ۲ رکعت تحیة المسجد را خالص برای خداوند الله اکبر. ۲- نیت کردم خواندن ۴ رکعت سنت قبله جمعه را خالص برای خداوند الله اکبر. ۳- نیت کردم خواندن ۲ رکعت فرض جمعه را اقتداءً بر امام خالص برای خداوند الله اکبر. ۴- نیت کردم خواندن ۴ رکعت سنت بعدیه جمعه را خالص برای خداوند الله اکبر. ۵- نیت کردم خواندن ۴ رکعت آخرین ظهری که به وقت آن رسیده و نخوانده‌ام خالص برای خداوند الله اکبر. ۶- نیت کردم خواندن ۲ رکعت سنت وقت را خالص برای خداوند الله اکبر.

(بیان ادای نماز احتیاط ظهر)

علت ادای احتیاط ظهر چیست؟ و در جاهایی که شرایط ادای نماز جمعه کامل باشد چرا احتیاط ظهر خوانده می‌شود؟ در بحث شرایط ادای نماز جمعه بیان کردیم که برای صحت اداء، شرایطی لازم است و اولین آن مصر بودن. مصر دارای دو تعریف بخصوصی است. تعریف اول مصر: هُوَ مَوْضِعٌ لَهُ أَمِيرٌ وَقَاضٍ يُنْفِذُ الْأَحْكَامَ وَيُتَيْمَّمُ الْحُدُودَ. یعنی: مصر مکانیست داری امیر و قاضی که احکام شرعی را بطور کامل به اجراء می‌گذارند و حدود را بر جای می‌آورند. یعنی دست دزدان را قطع می‌کنند، شراب خوار را تازیانه می‌زنند و زناکاران را سنگسار می‌کنند و یا شلاق می‌زنند و امثال این احکام را بطور کامل انجام می‌دهند. اما در مذهب حنفی، برخی از علمای معتبر و برجسته، مسئله به اجراء در آوردن حاکم و قاضی تمام قوانین و احکام شریعت را به دو نوع تقسیم کرده‌اند. ۱- اجراء احکام شریعت بالفعل. ۲- اجراء احکام شریعت بالقوه.

اجراء احکام شریعت بالفعل: یعنی در واقع احکام شریعت در آن مکان بطور احسن و بی‌عیب و نقص جاری باشد. در این صورت نماز جمعه واجب می‌شود و در غیر این صورت واجب نیست. اجراء احکام شریعت بالقوه: یعنی محض قادر بودن حاکم به اجراء گذاشتن احکام شرع و حدود کافیست. هر چند علی‌الظاهر اجرا نکنند. پس در این صورت نماز جمعه واجب می‌شود و در غیر این صورت واجب نیست. در جواب علمایی که تفسیر اول (اجراء حاکم و یا قاضی تمام احکام شریعت بالفعل) را شرط وجوب اداء در آن شهر و روستا می‌دانند، می‌توان گفت، بنابه شرط شما در هیچ جای دنیا جمعه واجب نمی‌باشد چرا که شریعت و احکام الهی در هیچ جای دنیا کاملاً به اجراء در نمی‌آید. و در جواب علمایی که تفسیر دوم (محض قادر بودن حاکم و یا قاضی به اجراء گذاشتن تمام احکام شریعت بالقوه) را شرط وجوب اداء در آن مصر می‌دانند می‌توان گفت، بنابر شرط شما جمعه در تمام نقاط دنیا واجب است چونکه همه دولت‌های مملکت اسلامی قادر به اجراء احکام الهی هستند در نتیجه؛ در تفسیر اول مصر ۲ نظریه وجود دارد.

نظریه اول اینکه، نماز جمعه‌هایی که در تمام شهرها و روستاها برپا می‌شود، جمعه محسوب نمی‌شود. بلکه در حکم دو رکعت نماز نفل خواهد بود. چون حاکم و قاضی تمامی احکام شریعت را کاملاً به اجراء نمی‌گذارند، و بر عهده آنها نماز فرض ظهر باقی می‌ماند. نظریه دوم اینکه، بر عهده همه نماز گزاران در شهرها و روستاها نماز جمعه واجب می‌باشد و به این جهت است که اول دو رکعت نماز جمعه خوانده می‌شود احیاناً بدون نماز جمعه نمانند. و به جهت دو سره بودن قضیه، احتیاط ظهر خوانده می‌شود. و گفته

شده که احتیاط یکی از خصوصیات متقیان است. حضرت علامه اسماعیل النابلسی رحمه الله علیه یکی از علماء برجسته مذهب حنفی چنین اظهار می کند: لَيْسَ الْمُرَادُ تَنْفِيذُ جَمِيعِ الْأَحْكَامِ بِالْفِعْلِ إِذِ الْجُمُعَةُ أُقِيمَتْ فِي عَهْدِ أَطْلَمِ النَّاسِ الْحَجَّاجِ وَإِنَّهُ مَا كَانَ يُنْفَذُ جَمِيعَ الْأَحْكَامِ بَلِ الْمُرَادُ إِقْتِدَارُهُ عَلَى ذَلِكَ. یعنی مقصود این نیست که تمامی احکام شریعت بالفعل صورت بگیرد چونکه در عهد پادشاه ظالم حجّاج نیز، نماز جمعه برپا بوده و حال تمامی احکام الهی را کاملاً انجام نمی داده است بلکه مقصود از تنفیذ تمامی احکام بالفعل، این است که پادشاه قدرت اجراء احکام را داشته باشد.

تعریف دوم مصر: هو مَوْضِعٌ إِذَا اجْتَمَعَ أَهْلُهُ فِي أَكْبَرِ مَسَاجِدِهِ لَمْ يَسْعَهُمْ. یعنی: مصر مکانی است که در صورت اجتماع همه مکلفین آن شهر یا روستا، بزرگترین مسجد آن شهر یا روستا ظرفیت همه مردم را نداشته باشد. بنابراین تعریف مذکور به مکان‌های زیادی برای برپا بودن نماز جمعه صدق می کند. و در کتب فتوی چنین آمده است: «و علیه فتوی اکثر الفقهاء» یعنی اکثر فقهاء به تعریف دوم مصر رای و فتوی داده اند. علامه عالیقدر حضرت الشیخ محمد امین مشهور بابن عابدین رحمه الله علیه فرمودند: هَذَا يَصْدُقُ عَلَى كَثِيرٍ مِنَ الْقُرَى، یعنی تعریف دوم مصر به اکثر روستاها صدق می کند. بدین علت در اکثر روستاها خواندن نماز جمعه الزامی می باشد. پس چرا به تفسیر و تعریف دوم مصر احتیاط ظهر خوانده می شود؟ چون مبدا تعریف اول، حقیقت بوده و از ادای نماز فرض غفلت کنیم، و به این خاطر احتیاط ظهر خوانده می شود. اگر تعریف اول مصر حقیقت باشد دو رکعت جمعه، نفل محسوب شده و چهار رکعت احتیاط ظهر، فرض به حساب می آید و اگر تعریف دوم مصر حقیقت باشد، دو رکعت جمعه، فرض محسوب شده و چهار رکعت احتیاط ظهر اگر قضاء داشته باشد از نماز قضاء محسوب می شود و در غیر این صورت نفل خواهد گردید.

عَلَّتْ سَوْمَ خَوَانِدِنِ احْتِيَاظِ ظَهْرٍ: إِنَّ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ لَا يَجُوزُ تَعَدُّهَا فِي مِصْرٍ وَاحِدٍ وَ كَذَا رَوَى أَصْحَابُ الْإِمْلَاءِ عَنْ أَبِي يُوسُفَ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ فِي مَسْجِدَيْنِ فِي مِصْرٍ وَاحِدٍ وَعَنْ مُحَمَّدٍ رَحِمَهُ اللَّهُ يَجُوزُ تَعَدُّهَا مُطْلَقًا وَ رَوَاهُ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ صَحَّحَهُ السَّرْحَسِيُّ. یعنی نزد امام ابوحنیفه رحمه الله علیه تعدد نماز جمعه در یک شهر و یا روستا جایز نمی باشد، همینطور اصحاب املاء (کاتبین) از ابویوسف رحمه الله علیه جائز نبودن نماز جمعه در دو مسجد یک شهر و یا روستا را نقل کرده اند و نزد امام محمد رحمه الله مطلقاً تعدد نماز جمعه جائز است و امام محمد رحمه الله این روایت را از امام ابوحنیفه رحمه الله نقل می کند و امام سرخسی رحمه الله نیز صحت این روایت را تایید می نماید.

الحاصل مجتهدین مذهب حنفی در تعدد نماز جمعه در شهر و یا روستا اختلاف نظر دارند بعضی از علماء به این اعتقادند که اولین نماز جمعه در بین مساجد برپا شده فرض محسوب می شود و نماز جمعه مابقی دیگر مساجد نفل محسوب می گردد. در نتیجه معلوم نمی باشد کدام یک از مساجد اول نماز جمعه را خوانده اند، در این صورت نماز فرضی که در عهده نماز گزاران دیگر مساجد است بدون اداء می ماند. و بعضی دیگر از علمای مذهب حنفی تعدد نماز جمعه را جایز دانسته و می گویند: نماز جمعه نماز گزاران همه مساجد، فرض محسوب می شود و به سبب همین اختلاف نظر، چهار رکعت احتیاط ظهر خوانده می شود.

(اللمعة في مدح الجمعة)

ای خلائق اهل عرفان
 اللّٰه مَ نِذَا بَرَّرْ اِيْمَان
 جمعا يُبِرِن بِيَك اللّٰه
 ثواب بار در، شرع يول دا
 جمعا غرشي آردم آردمق
 الله نك اوينا، طواف ادمك
 گلنگ اندی، پیر و جوان
 برلر نذا، بايراق رضوان
 جمعا گلنگ، شيطان آغلار
 حسرت چکيب، باغرنی داغلار
 جمعا بارتنگ رحمت اینر
 امام اویتنگ دردنگ دینر
 جمعا دیرلر حج مسکین
 مسجد گلب باشنگ انگثن
 مکه دش ديب غالما غم غا
 رمی طواف، سعی عمره
 پلجق لردا بلدر چکب
 تحييت نی، آوردن اوقيب
 گن لر سیدی، جمعا گنی
 بيك طنگری، یلقار ثنی
 غسل ادمك سنت بولر
 خطالر ننگ، عفو قلر
 إلکی گلن، ثواب آلدی
 اکنجی نك کی غوین بولدی
 اوچی لنجی طوق بردی
 هر کم برتا، ثواب گوردی
 برکتی بار برغن لرننگ
 ابد غویما آرغن لرننگ
 جمعا دیرلر، عید مسلم
 سالم غالثین دیتنگ نسلم
 روسیاه لر توبه قلمذ

اخلاص ایلاب جمعا گلنگ
 ایمان اچین، جمعا گلنگ
 مطیع بولنگ، هر نا حال دا
 ثواب اچین، جمعا گلنگ
 حساب ایلانگ حج غا گدمک
 طواف اچین، جمعا گلنگ
 اولی، کچی، زن و مردان
 رضوان اچین، جمعا گلنگ
 قره گیب، یاثن باغلار
 شونگداغ اچین، جمعا گلنگ
 خطبه اشتنگ نفسنگ ثیر
 دوا اچین، جمعا گلنگ
 گردنمذ دا گناه سنگین
 حج ادماگا، جمعا گلنگ
 غریب لرننگ حجی جمعا
 قلماق اچین، جمعا گلنگ
 ائی لردا درنگ دوکیب
 سباق اچین، جمعا گلنگ
 یورک بلن اولانگ مونی
 یلقو اچین، جمعا گلنگ
 گنالرننگ، دُیب دن یولر
 عفو اچین، جمعا گلنگ
 گویا دُیا صدقه قلدی
 احسان اچین، جمعا گلنگ
 دوردنجی کی، بیضه اردی
 ثواب اچین، جمعا گلنگ
 جمعا گتر اوغلن لرننگ
 ارشاد اچین، جمعا گلنگ
 شریعتا، بولنگ تسلیم
 اهلنگ بلن جمعا گلنگ
 منافق لر، جمعا گلنمذ

منگ آیدتنگ اوت آلمذ	اوت اچین، جمعا گلنگ
غُلُق غُونِگ نَصِيحَتَا	رسول امرن، توتا توتا
یغشی لردن، آلتنگ پاتا	پاتا اچین، جمعا گلنگ
جمعا گلنگ اِرتنگ آرطر	بخت اوینیب شانگ تَنگ یورطر
طنفنگ نی، طنگری درطر	اقبال اچین، جمعا گلنگ.

تألیف: استاد الحاج عبدالرحمن آخوند تنگلی

(سؤال و جواب مفید درباره جمعه)

۱- چرا روز آدینه را جمعه نام نهادند؟ در نام گذاری روز آدینه به جمعه علماء اسلام اختلاف نظر دارند، به قول بعضی از علماء، به سبب اجتماع مؤمنین در روز جمعه برای برپایی نماز جمعه می باشد. و نظر بعضی دیگر از علماء، کمال خلاق در این روز جمع شده و به قولی خلقت حضرت آدم علیه السلام در این روز صورت گرفته است. مصنف فتح الباری این قول را اصحّ اقوال می داند. و به قول دیگر به هم رسیدن حضرت آدم و حضرت حواء علیهما السلام در روز جمعه بوده است. و نظر برخی دیگر خداوند در روز جمعه بین بندگان و رحمت خویش را جمع نمود.

۲- آیا فضل روز جمعه بر سائر ایام هفته از جمله خصوصیات پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می باشد؟ و به چه علت روز جمعه انتخاب شد نه غیر آن؟ بله، فضل روز جمعه بر سائر روزهای هفته از جمله خصوصیات پیامبر مکرم اسلام است. در نزهه المجالس آمده خداوند متعال به موسی علیه السلام هنگامی که از عبادت عابدان بیت المقدس شگفت زده شده بود، گفت: ای موسی، دو رکعت نماز در روز جمعه برای امت محمدیّه بهتر از عبادت عابدان بیت المقدس است. حضرت موسی علیه السلام از خداوند خواست که روز جمعه روز او باشد. خداوند فرمودند: روز شنبه را برای تو قرار دادم و یکشنبه را برای عیسی و دوشنبه را برای ابراهیم و سه شنبه را برای زکریا و چهارشنبه را برای یحیی و پنجشنبه را برای آدم صلی الله علیه وسلم و جمعه را برای حبیب محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم. و علت تخصیص روز جمعه این است؛ زمانیکه جمعه آخرین روز هفته می باشد مناسب است که آن روز را برای آخرین پیامبر خاص کرده شود. (الله اعلم).

۳- روز آدینه (۱۰) نام دارد. آنها را نام ببرید؟ ۱- یوم المزیذ ۲- یوم الفضل ۳- یوم البرکه ۴- یوم الرحمه ۵- یوم الامانه ۶- یوم العتق ۷- یوم العید ۸- یوم العروبه ۹- یوم الکرامه ۱۰- یوم الجمعه. معروفترین این نامها یوم الجمعه است.

۴- آیا اشتغال غیر از معامله که شخص را از رفتن به نماز جمعه باز می دارد مکروه جداگانه است یا کراهیت مخصوص معامله را دارد؟ هر اشتغالی که از اقتدا به نماز جمعه باز دارد، چه معامله و چه خوردن و چیزهای دیگر باشد مکروه است. یعنی سعی به سوی مسجد جامع و ترک معامله و دیگر امورات با گفته شدن اذان اول واجب می گردد.

۵- چه عذرهایی سبب جواز ترک نماز جمعه است؟ همچنانکه در شرایط اداء نماز جمعه ذکر شد، مسافر، زنان، مریض، نابینا، برده، بر همه اینها نماز جمعه واجب نمی باشد. و اما اگر در نماز جمعه حاضر باشند و با نماز گزاران، جمعه را اقامه کنند، جائز است و از نماز فرض وقت محسوب شده و از ذمه آنها نماز ظهر ساقط می شود.

۶- آیا امامت مسافر، برده، مریض در نماز جمعه جائز است؟ بله، جائز است و نماز صحیح می باشد اما ساقط شدن نماز جمعه از ذمه آنها فقط به سبب تخفیف می باشد.

۷- اگر کسی به امام جمعه در خواندن تشهد و یا در حالت سجده سهو اقتداء نماید آیا از نماز جمعه محسوب می شود یا نماز ظهر را کامل اداء نماید؟ اگر در این دو حالت و یا قبل از آن امام را بیابد و به او اقتداء نماید از نماز جمعه محسوب شده و رکعات اول و دوم را که به امام اقتداء نکرده بود قضاء کند و در غیر این صورت نماز ظهر را کامل بخواند.

۸- اگر نماز جمعه شخصی به علت معذوریت فوت شود چه چیزی واجب می گردد؟ نماز ظهر بر ذمه او واجب است و بایستی آن را اداء نماید. همچنین کسانی که بدون عذر نماز جمعه را ترک کرده و مرتکب معصیت شدند نماز ظهر بر آنان واجب است که اداء نمایند.

۹- حکم خواندن نماز ظهر بدون عذر در منزل، قبل از اقامه نماز جمعه چیست و به این صورت وقت شرعی ظهر به پایان برسد چگونه است؟ خواندن نماز ظهر بدون عذر قبل از اقامه جمعه حرام است و نمازی که خوانده بود و وقت ظهر گذشته باشد از فرض وقت محسوب شده و قضائی بر ذمه او باقی نمی ماند.

۱۰- آیا بر پیرمرد ضعیف و ناتوان نماز جمعه واجب است؟ خیر واجب نمی باشد چون که پیرمرد ضعیف و ناتوان ملحق بر مریض است و حکم آن را می گیرد.

۱۱- اگر شخصی را برای انجام کاری اجاره کرده شود و وقت نماز جمعه مقارن آید آیا مستأجر (صاحب کار) می تواند اجیر (کارگر) را از نماز جمعه و جماعات و عیدین منع نماید؟ در این مسئله ابو علی دقاق رحمه الله علیه چنین نظر می دهد: صاحب کار حق منع کارگر را از این فریضه مهم ندارد لیکن اگر مُصلی دور باشد از اجرت به مقدار اشتغال کارگر به این فریضه کاسته می شود و اگر مُصلی نزدیک باشد کاسته نمی شود. (ظاهر متون بر گفته ابوعلی دقاق رحمه الله علیه صحت می گذارد). مثلاً: در عرض یک روز، کارگر برای ۸ ساعت کار اجاره کرده شده است و کارگر برای اداء نماز جمعه ۲ ساعت به علت دور بودن مُصلی معطل شده باشد به مقدار یک چهارم مشغول نماز بوده و از اجرت ایشان یک چهارم کاسته می شود.

۱۲- اگر کسی نماز ظهر را در منزل بخواند و بعد روانه مسجد جامع شود و به امام، نماز جمعه را اقتداء نماید چگونه است؟ نزد امام ابوحنیفه رحمه الله علیه نماز جمعه وی با سعی به طرف مسجد جامع و اقتداء به امام صحیح است. ولی نماز ظهر ایشان باطل می شود. چه به نماز امام برسد یا نرسد. اما نزد امام محمد و امام یوسف رحمه الله علیهما نماز ظهر وی باطل نمی شود تا وقتی که نماز جمعه را به امام اقتداء نکند.

۱۳- کسانی که معذور و یا زندانی اند می توانند نماز ظهر را در روز جمعه به جماعت برپا نمایند؟ جماعت نماز ظهر در جاهایی که نماز جمعه برپا می شود مکروه است. و باید نماز ظهر را فرادی خوانند.

۱۴- برای برپا نمودن نماز جمعه چند مرتبه اذان گفته می شود؟ ۲ مرتبه اذان گفته می شود. اذان اول وقت ظهر بعد از زوال آفتاب می باشد که بر همه مؤمنین لازم است با گفتن این اذان روی به مسجد جامع بیاورند و معامله و دیگر مشغولیتها را کنار گذاشته و به ذکر خداوند بشتابند. اذان دوم بعد از اینکه امام جمعه بر منبر نشست روبروی او گفته می شود و بعد از اتمام خطبه نماز جمعه اقامه می شود.

۱۵- فلسفه دو بار اذان گفتن چیست؟ در تفسیر صاوی سوره جمعه چنین آمده: مراد از (اذا نودی للصلوه) اذان به هنگام جلوس خطیب بر روی منبر است و این بخاطر این است که در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم ندائی غیر از آن نبود. پس در نتیجه یک

مؤذن به هنگام جلوس پیامبر صلی الله علیه وسلم بر روی منبر اذان می گفت و به هنگام نزول پیامبر صلی الله علیه وسلم از منبر، تکبیر می گفت. حضرات ابوبکر و عمر و حضرت علی رضی الله عنهم در کوفه به همین منوال عمل می کردند، اما در زمان حضرت عثمان رضی الله عنه چون تعداد مردم زیاد شده و منازل هم دور بود اذان دیگری را اضافه نمودند و امر بر اذان بر روی خانه ای که زوراء نام داشت، کرد. به هنگام شنیدن اذان اول مردم به طرف مسجد می آمدند و به هنگام جلوس خطیب بر روی منبر اذان دوم گفته می شد و احدی هم در آن وقت مخالف وی نشدند و به خاطر گفته پیامبر صلی الله علیه وسلم که بر شما لازم است سنت من و سنت خلفاء راشدین، به همین منوال جاری شد. فلسفه دو اذان را می توان مختصراً به خاطر ازدیاد جمعیت در زمان حضرت عثمان رضی الله عنه و تباعد منازل از مساجد و به خاطر استماع مردم و روی آوردن به طرف مسجد ذکر نمود.

۱۶- اگر اهل فرضی (کسی که قضاء نماز فرض ندارد) در اثناء خطبه به خاطر آورد که نماز صبح را نخوانده است چه باید بکند؟ خواندن نماز نفل در حین خطبه مکروه است، اما قضاء نماز فوت شده مکروه نمی باشد بلکه بر اهل ترتیب (اهل فرض) واجب است که اولاً قضاء نماز فوت شده را گرفته و بعداً بر نماز جمعه اقتداء نماید.

۱۷- سماع خطبه جمعه و عیدین و همچنین سائر خطبه ها مثل خطبه نکاح چه حکمی دارد؟ واجب است.

۱۸- آیا به هنگام سماع نام مبارک پیامبر صلی الله علیه وسلم در میان خطبه صلوات فرستادن جایز است یا خیر؟ در فرستادن صلوات به هنگام شنیدن نام مبارک پیامبر صلی الله علیه وسلم اختلاف نظر می باشد و اما رأی صواب این است که در دل صلوات گفته شود.

۱۹- ذکر صحابه رضی الله عنهم در خطبه دوم چه حکمی دارد و فلسفه آن چیست؟ حکمت این است که خطبه دوم محل دعاء می باشد و ذکر صحابه رضی الله عنهم و درود بر آنها مستحب است. و امید است که خداوند به برکت نامهای اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم دعاء هایمان را مورد اجابت قرار دهد.

۲۰- چرا اذان دوم جمعه آهسته گفته می شود؟ چون بنا به متعارف و متواتر در هنگام اذان صدا را برای اعلام غائین بلند کرده می شود، بنابراین رفع صوت مفید است. اما اذان دوم جمعه برای اعلام حاضرین می باشد پس هیچ حاجتی برای رفع صوت وجود ندارد.

۲۱- اگر شخصی بعد از شروع چهار رکعت سنت قبله جمعه، خطیب خطبه را آغاز نماید و یا تکبیر گویند، چه عملی را انجام دهد؟ اگر آن شخص مشغول خواندن سنت جمعه باشد و خطیب خطبه را شروع کند چهار رکعت را کامل کند (علی القول الراجح) چون قطع نمودن سنت برای اکمال نبوده و ابطال است.

۲۲- شروط خطبه را بیان کنید؟ ۱- خطبه قبل از دو رکعت نماز جمعه باشد. ۲- حداقل یک نفر سامع حضور داشته باشد. ۳- فصل نیفکندن بین خطبه و نماز با خوردن یا عمل قاطع دیگری. ۴- قصد نمودن خطبه (حتی اگر الحمد لله را برای جواب عطسه بگوید جایز نمی باشد). ۵- در وقت ظهر باشد (اگر قبل از زوال خورشید باشد خطبه جایز نیست).

۲۳- حکم سخن گفتن و نماز نافله خواندن هنگامی که امام برای تلاوت نمودن خطبه قیام کند چه می باشد؟ حرام است.

۲۴- حکم استماع خطبه بر کسانی که دور از خطیب قرار دارند و خطبه شنیده نمی شود چیست؟ استماع خطبه بر کسانی که دور یا نزدیک نشسته باشند بدون فرق بین آنها واجب است. و اما اگر بر استماع خطبه قادر نباشند سکوت واجب است.

۲۵- اگر شخصی وارد مسجد شود و حال اینکه مؤذن در حالت تکبیر گفتن برای اقامه نماز جمعه باشد چه باید کند. آیا بایستی چهار رکعت سنت را خوانده و بعداً به امام اقتدا نماید و یا اینکه سنت را ترک نموده و بعد از آن قضاء نماید؟ در آن هنگام چهار

رکعت سنت را نباید بخواند بعلمت اینکه نماز بعد از خطبه و قبل از فرض جمعه مکروه است و بعد از نماز جمعه هم احتیاجی برای قضای سنت فوت شده نمی‌باشد بلکه سنت ساقط می‌گردد به فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: هر وقت امام برای قرائت خطبه بر روی منبر رود هیچ نمازی بجز نماز فرض نمی‌باشد این چنین در خزانه الروایات آمده. و شامی رحمه الله علیه در ردالمختار چنین گفته است: که همانا اهل متون و فقهاء به صراحت قضاء سنت ظهر را بعد از فرض بیان کرده‌اند اما در مورد قضاء سنت جمعه چیزی ذکر نکرده‌اند و از این سکوت و عدم بیان آنها می‌توان نتیجه گرفت که احتیاجی به قضاء سنت جمعه نمی‌باشد چون که سکوت در معرض بیان، بیان است. اما نظریه خود عبدالحی لکنوی بر تشابه حکم سنت جمعه به سنت ظهر است و می‌گوید که سنت جمعه نظیر سنت ظهر است.

۲۶- آیا در همه رکعات احتیاط ظهر بعد از فاتحه سوره خوانده می‌شود یا فقط در دو رکعت اول این چنین است؟ بهتر آن است که در همه چهار رکعت بعد از فاتحه سوره خوانده شود. چون اگر از نماز فرض واقع شود خواندن سوره در دو رکعت آخر خللی ایجاد نمی‌کند و سجده سهو نیز لازم نمی‌گردد. و اگر از نفل واقع شود پس در همه رکعات سوره واجب می‌گردد. و اما اگر بر ذمه ایشان قضاء باشد در این صورت در دو رکعت آخر سوره خوانده نمی‌شود چون این چهار رکعت احتیاطی در هر حال فرض است.

۲۷- طریقه دعا در بین نشست امام بر منبر تا اقامه نماز را بیان نمایید؟ همچنان که در حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده، لحظه اجابت دعا ما بین جلوس امام بر منبر تا وقت اقامه نماز است. دعا نمودن در دل سنت است اما با زبان دعا نمودن جایز نمی‌باشد چون سامعین خطبه مأمور به سکوت هستند.

۲۸- آیا دو رکعت سنت تحیه المسجد را حتماً در بدو دخول خوانده شود، و یا فرقی ندارد. و با نشستن، این نماز فوت می‌شود؟ دو رکعت تحیه المسجد سنت می‌باشد و لو بعد از نشستن در مسجد نیز باشد و با نشستن ساقط نمی‌شود و اگر چه افضلیت در این است که قبل از نشستن خوانده شود. حدیثی که در صحیحین وارد شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر گاه یکی از شما داخل مسجد شود ننشیند تا دو رکعت نماز بخواند، این حدیث اولویت را بیان می‌کند بدلیل حدیث ابن حبان رضی الله عنه که در صحیحش چنین آورده که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به ابوذر رضی الله عنه گفت: به تحقیق مسجد را حرمتی است و حرمت آن خواندن دو رکعت تحیه المسجد است پس بلند شو و آن دو رکعت را بر جای آور.

۲۹- آیا مسافری که نماز جمعه را به امام اقتدا کند، آخر ظهر را دو رکعت بخواند یا چهار رکعت؟ دو رکعت بخواند.

۳۰- آیا جواب اذان دوم جمعه مکروه است؟ خیر، مکروه نمی‌باشد بعلمت ثبوت آن از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و حضرت معاویه رضی الله عنه در صحیح بخاری.